

# کاغذ شیشه ای

۱۳۸۷/۱۱/۲۲

جوانی موسم عطرافشانی بوستان عمر و فصل شکوفه باران زندگی است. اگر غوغای بهار در باغ زندگی، برپا نشود و اگر بلبل جوانی بر شاخسار عمرمان ترانه‌ی زیبای پاکی نخواند؛ ما همان خزان زده‌ی سرد و خموشیم. جوانی مناسب‌ترین فصل به خودباوری است؛ جوانان اگر از پند پیران و تجربه‌ی بزرگان بهره گیرند، کم‌تر دچار حسرت می‌شوند.



جوانی زیباترین گلی است که در بوستان عمر می‌شکفت. اما، عمرش کوتاه و برگ‌هایش لطیف و بسیار آسیب‌پذیر است. آنکه نقد جوانی را رایگان از کف دهد، کوله‌باری از حسرت، تا دامنه‌ی قیامت را باید بر دوش کشد. قیامتی که اولین پرسش آن فرصت جوانی است.

خدایا، خداوندا!

آنان که جوانی را در یافته‌اند، آنان که گل زیبا و با طراوت زندگی را چون جان شیرین، پرستار بوده‌اند؛ و مطاع جوانی را با خریداری بس منصف نقد کرده‌اند؛ چه خوش معامله‌ای داشته‌اند. و آنان که عمر این گل را در بی‌خبری و غفلت سرآورده‌اند چه بد زیان کارند. بار الهها!

ای باغبان مهربان گل‌های معطر جوانی؛ ای بهترین خریدار فرصت‌های زندگی؛ ما را هشیار بدار در آنچه به ما ارزانی داشتی تا آن شویم که تو می‌خواهی.



## مسافر و جاده

کوله پشتی‌اش را برداشت و راه افتاد. رفت که دنبال خدا بگردد؛ و گفت: تا کوله‌ام از خدا پر نشود برنخواهم گشت. نهالی رنجور و کوچک کنار راه ایستاده بود. مسافر با خنده‌ای رو به درخت گفت: چه تلخ است کنار جاده بودن و نرفتن؛ و درخت زیر لب گفت: ولی تلخ‌تر آن است که بروی و بی‌رهاورد برگردی. کاش می‌دانستی آنچه در جست‌وجوی آنی، همین جاست.

مسافر رفت و گفت: یک درخت از راه چه می‌داند، پاهایش در گل است، او هیچ‌گاه لذت جست‌وجو را نخواهد یافت.

و نشنید که درخت گفت: اما من جستجو را از خود آغاز کرده‌ام و سفرم را کسی نخواهد دید؛ جز آن که باید.

مسافر رفت و کوله‌اش سنگین بود.

هزار سال گذشت، هزار سال پر پیچ و خم، هزار سال بالا و پست. مسافر بازگشت، رنجور و ناامید.

خدا را نیافته بود، اما خیلی چیزهایش را گم کرده بود. به ابتدای جاده رسید؛ جاده‌ای که روزی از آن آغاز کرده بود.

درختی هزار ساله، بالا بلند و سبز، کنار جاده بود. زیر سایه‌اش نشست تا لختی بیاساید. مسافر درخت را به یاد نیآورد. اما درخت او را می‌شناخت.

درخت گفت: سلام مسافر! در کوله‌ات چه داری، مرا هم میهمان کن. مسافر گفت: بالا بلند تنومندم، شرمنده‌ام، کوله‌ام خالی است و هیچ چیز ندارم.

درخت گفت: چه خوب، وقتی هیچ چیز نداری، همه چیز داری. اما آن روز که می‌رفتی، در کوله‌ات همه چیز داشتی، غرور کمترینش بود، جاده آن را از تو گرفت. حالا در کوله‌ات جا برای خدا هست. و قدری از حقیقت را در کوله‌ی مسافر ریخت. دست‌های مسافر از اشراق پر شد و چشم‌هایش از حیرت درخشید و گفت: هزار سال رفتم و پیدا نکردم و تو نرفته‌ای، این همه یافتی!

درخت گفت: زیرا تو در جاده رفتی و من در خودم، و پیمودن خود، دشوارتر از پیمودن جاده‌هاست.

## امروز آمده‌ایم تا بمانیم

روی سخن من با توست ای وطن، ای ایران. امروز تنها روز من نیست، بلکه کوچک و بزرگ، پیر و جوان، همه با هم آمده‌ایم تا بگوییم: دوستت داریم ایران

و حالمن، نه ما، به عنوان قشری از جامعه که نامش را دانشجو نهاده‌اند، وظیفه‌ی خود دانستیم که شیشه‌ای باشیم در این کاغذ شیشه‌ای.

سال‌هاست که به شوق ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در کوچه و خیابان-های این مرز و بوم همچون موجی از دریا خروش داریم و برایمان مهم نیست که آن روز آسمان چگونه پابه‌پایمان راهپیمایی کند؛ برفی، بارانی یا صاف... ما در تمام شرایط، وحدت و یکپارچه‌گیمان را به تمام دنیا نشان داده‌ایم و شاید برای همین است که کاغذ شیشه‌ای ما از ایران و ایرانی می‌نویسد...

می‌نویسد: دانشجو باشیم یا بی‌سواد، فقیر باشیم یا ثروتمند، سفید باشیم یا سیاه، شاکی باشیم یا راضی، شهری باشیم یا روستایی، از هر قشر و هر تیره‌ای که هستیم، می‌خواهیم امروز کنار هم باشیم و باز هم فریاد... اکبر را سر دهیم تا شاید پرستوهای مهاجر شهرمان، فریادمان را به جای جای جهان برسانند و بگویند: زنده باد ایران و ایرانی.

یار دبستانی من  
یار دبستانی من  
با من و همراه منی  
چوب الف بر سر ما  
بغض من و آه منی  
حک شده اسم من و تو  
رو تن این تخته سیاه  
ترکه بیداد و ستم  
مونده هنوز رو تن ما  
دشت بی فرهنگی ما  
هرزه تموم علفاش  
خوب اگه خوب بد اگه بد  
مرد دلای آدماش  
دست من و تو باید این  
پرده‌ها رو پاره کنه  
کی میتونه جز من و تو  
درد ما رو چاره کنه  
یار دبستانی من ...

گذری در تاریخ  
۱۶ مهر ۱۳۴۰  
تصویب قانون انجمن‌های  
ایالتی و ولایتی رژیم پهلوی

۸ آذر ۱۳۴۱

لغو قانون انجمن‌های ایالتی و  
ولایتی با اعتراض علمای اسلام  
و حضور گسترده مردم

۱۹ دی ۱۳۴۱

اعلام انقلاب سفید رژیم پهلوی  
و در رأس آن محمدرضا در  
جهت خواسته‌های استعمارگران  
امریکا و همچنین تغییر فکر  
مردم ایران دستورالعمل دیکته  
شده استکبار را که در  
کشوهای دیگر به اجرا درآمده  
بود به عنوان انقلاب سفید به  
مردم ایران عرضه نمود و آن را  
به فراندم گذاشت .

۲ بهمن ۱۳۴۱

تظاهرات مردم در تهران با  
تحریم فراندم از طرف امام

۱۳ خرداد ۱۳۴۲

دستگیری حضرت امام خمینی  
بعد از سخنرانی تاریخی امام  
خمینی در عصر عاشورا

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

قیام ملت ایران در اعتراض به  
دستگیری امام خمینی

۳ مرداد ۱۳۴۳

تصویب قانون کاپیتولاسیون..  
رژیم پهلوی از ترس  
عکس‌العمل مردم خبر تصویب  
این قانون را تا مدتی اعلام  
نکرد

۴ آبان ۱۳۴۳

پایداری امام خمینی در برابر  
کاپیتولاسیون

۱۳ آبان ۱۳۴۳

تبعید حضرت امام خمینی به  
ترکیه پس از سخنرانی در  
رابطه با قانون کاپیتولاسیون

۱۳ مهر ۱۳۴۴

تغییر محل تبعید امام خمینی  
به نجف اشرف

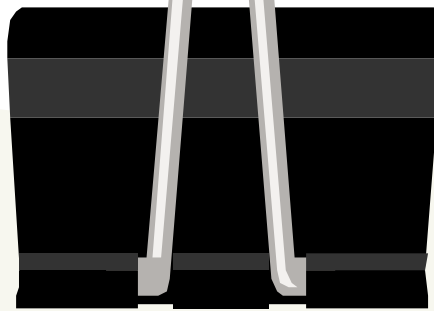
۲۹ خرداد ۱۳۵۶

دکتر علی شریعتی در خارج از  
کشور به وسیله ساواک رژیم  
پهلوی به شهادت رسید.

۱ آبان ۱۳۵۶

شهادت فرزند امام حاج  
سیدمصطفی خمینی فرزند  
بزرگ امام خمینی در عراق

## حرف‌های گفنی



یقیناً هشت سال جنگ در نخستین سالهای  
عمر انقلاب، ترور، هرج و مرج، تجزیه طلبی،  
تحریم و... هر یک به تنهایی میتوانست پایانی  
بر تحمل مردم بعد از صدها سال انتظار برای  
زندگی آرام و مرفه باشد. اما این مردم در راه  
آرمانها و عقایدشان انقلاب کردند و در این راه  
تا مرز دین و اعتقاداتشان صبر میکنند. به  
همین دلیل است که از این نظام سرد و گرم  
چشیده بیش از هر حکومت دیگری انتظار می  
رود در سی سالگی، نیم نگاهی به جبران  
کاستی‌ها و اشتباهات و رسیدن به حکومت  
مطلوب ملت خود داشته باشد.

اینک که سی سالگی این انقلاب مردمی را  
جشن میگیریم مهم ترین وظیفه یکایک ما  
آماده ساختن خود و دیگران برای نقدی درون  
گفتمانی بدون تعارف و حب و بغض بیهوده  
است. چرا که از این پس اشتباه و کج روی  
حتی در کوچکترین سطح نه بر عرف و نه بر  
شرع است، همانگونه که برای "جوانی بی  
تجربه" شتابزدگی، آزمون و خطا، نقد  
ناپذیری، نصیحت گریزی و ... قابل اغماض و  
برای "فردی باتجربه و جاافتاده" ضعفی بزرگ  
است.

به عنوان مثال باید دید که آزادی‌های  
سیاسی و فردی که از مطالبات عمده مردم

در حالی که طولانی ترین جنگ کلاسیک  
دوران معاصر نیز نتوانست آن را از پای  
درآورد.

بدون شک بزرگترین خیانت به انقلاب و  
مردم در حال حاضر ممانعت از نقد منصفانه  
حکومت توسط خود حکومت و دلسوزان آن  
است که ممکن است دوستداران آن دانسته  
یا ندانسته مرتکب آن شوند. چرا که کاملاً  
منطقی است پس از طی مسیری سی ساله  
به فکر زدودن غبار نشسته برپیکره این  
انقلاب بزرگ و اصلاح آن باشیم و بدین  
ترتیب سعی در نمایان کردن کاستی‌ها  
برای توجه بیشتر به جبران آنها نمود. در  
غیر این صورت نه تنها نقد حکومت منتفی  
نمیشود، بلکه این نقد توسط دیگران و به  
قصد سیاه جلوه دادن انقلاب از بیخ و بن  
صورت میگیرد.

اولین ضرورت شکل گیری این نقد درون  
گفتمانی فرصت دادن به تمامی گروه‌ها و  
سلايق سیاسی که انقلاب و قانون اساسی را  
قبول دارند است. امیدواریم چهارمین دهه  
انقلاب با سعه صدر و همزیستی گروههای  
سیاسی کشور و پذیرش این موضوع که  
کشور به همه آنها نیاز دارد، رو به نقد و  
اصلاح اشتباهات و انحرافات گذشته و تاکید  
بر اقدامات خوب و سازنده قبل بیآوریم.

ایران در جریان انقلاب بود،  
اکنون در چه وضعیتی است؟ در  
باب گسترش علوم، محرومیت  
زدایی، تاثیر پذیری حکومت از  
رای مردم، توزیع عادلانه امکانات،  
حقوق زنان و ارتقاء سطح  
معیشتی مردم و دهها عنوان  
دیگر نیز سوالات مشابهی باید  
طرح شود.

اشتباهات و فاصله از شعارها را  
میتوان به سادگی کتمان و یا  
توجیه نمود و معترضین به این  
ضعف‌ها را آزرد، اما آیا بدین  
طریق مشکلات برطرف میشود؟

چرا باید حکومتی که آزادی بیان  
و اندیشه جزو اصول مهم قانون  
اساسی آن می باشد، نقدهای  
هرچند غیر سازنده را با انگ  
تضعیف نظام یا نفی آن پاسخ  
دهد؟

آیا این رفتارها شائبه ضعیف  
بودن حکومت به دلیل ضربه  
خوردن از یک نقد، تیترا یا  
سخنرانی را ایجاد نمیکند؟

در هیاهوی راهپیمایی ۲۲ بهمن، صدایی را شنیدم که هنوز هم در گوش من می پیچد...

بابا، آنجا، روی آن کاغذ چه نوشته شده است؟

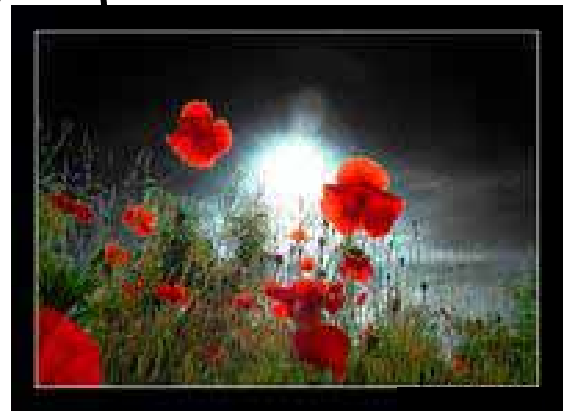
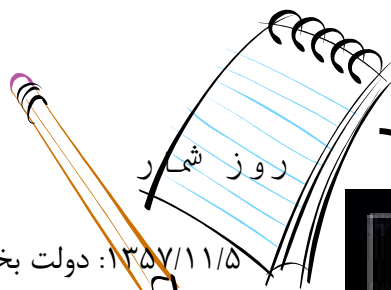
دقت کردم. کودکی بود شاید ۵، ۶ ساله.

به ناگاه نوشته میان جمعیت گم شد.

پدر، فرزندش را به دوش گرفت و با صدایی رسا و آرام و لبخندزنان به نوشته نگاهی کرد و برایش خواند:

دوستت دارم سرزمین من





چه کسی گفته است که انقلاب ما، در روزی از روزهای زمستان رخ داد؟ آن روز، بهار بود و برای همیشه، بهاری خواهد ماند و راستی، برای همین است که فریاد می‌زنیم: در بهار آزادی، جای شهدا خالی.

چه بهاریست؟  
گل هایش با خون پاک شهیدان سر از دل خاک برآورده‌اند و آسمانش، از تصویر تک تک آن شهیدان پیوسته شده است. عجب سوال عجیبی و پاسخش عجیب‌تر که:  
**کجایند مردان بی ادعا؟**

حرف‌های نسل  
سومی

۱۳۵۷/۱۱/۵: دولت بختیار ۳ روز فرودگاههای کشور را بست  
۱۳۵۷/۱۱/۷: تحسن روحانیون مبارز در دانشگاه تهران در اعتراض به بستن فرودگاهها.  
۱۳۵۷/۱۱/۹: دولت بختیار فرودگاه مهرآباد را از اشغال نظامی خارج کرد.  
۱۳۵۷/۱۱/۱۲: ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه حضرت امام خمینی پای بر خاک ایران گذاشتند.  
۱۳۵۷/۱۱/۱۹: راه‌پیمایی مردم ایران در حمایت از دولت موقت انجام شد.  
۱۳۵۷/۱۱/۲۰: دولت بختیار زمان حکومت نظامی را افزایش داد.  
۱۳۵۷/۱۱/۲۲: تهران صحنه جنگ خونین مسلحانه بین مردم و سربازان طرفدار رژیم پهلوی گردیده.

قدم بزن... آهسته و با تأمل.  
امروز، ۲۲ بهمن‌ماه؟ نه، روز خداست.  
گرچه می‌دانم تو هم می‌خواهی مانند مردم آن زمان، بدوی و فریاد بزنی:  
**استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی**  
اما امروز، تو مستقل هستی و در جامعه‌ای که اساسش اسلام و پایه‌اش جمهوری است، آنقدر آزاد هستی که شاید... شاید در آسمان وطن، پرواز کنی.

### سی سال انقلاب پایدار از دیدگاه یک نسل سومی

سلام! تراوش ذهنی یک نسل سومی، ثمره انقلاب و جوانی که رمزه‌های انقلاب را ندیده و فقط شنیده را می‌خوانید. در این سطور فقط در حد بضاعت و بر حسب تکلیف، قلم ما هم در سی‌امین بهار انقلاب رنگ انقلابی به خود گرفت. کوتاه و مختصر هدف از انقلاب و آرمان‌های انقلاب را بررسی خواهیم کرد و اینکه اکنون کجای راه هستیم و جهت تسریع در رسیدن به این آرمانهای مقدس چه باید کرد؟!

برای وقوع هر انقلاب وجود شرایط عینی و ذهنی و زمینه‌های مناسب ضرورت دارد، ولی کافی نیست. افزون بر این عوامل، ایده‌های نو و ایدئولوژی انقلابی نیز باید شکل بگیرد تا نه تنها تبیین‌کننده شرایط نابسامان موجود باشد بلکه اهداف و آرمان‌های انقلاب را مشخص کند و امید پیروزی و شوق ایجاد وضع بهتر را در دل مردم بر افروزد.

بسیاری از نظریه پردازان انقلاب اذعان داشته‌اند که انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های تاریخ جهان من جمله؛ فرانسه، روسیه و چین و... متفاوت بوده است و ذکر کرده‌اند که علل وقوع انقلاب اسلامی را در نوسازی سیاسی، مبنای اقتصادی و تبیین مذهبی باید یافت. در واقع باید تبیین چند علتی از انقلاب اسلامی ارائه داد. اعتقادات مربوط به امامت، غیر مشروع بودن نظام‌های غیردینی، شهادت و اجتهاد نقش مهمی در به وجود آمدن انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند. وضعیت نامطلوب فرهنگی و سیاسی رژیم پهلوی نیز از عوامل وقوع انقلاب اسلامی بود.

در بررسی اهداف انقلاب اسلامی ایران، می‌توان به برقراری عدالت برای استفاده همه‌ی ملل از ثروت‌های خدادادی اشاره کرد و هدف و انگیزه ملت ایران از انقلاب اسلامی را نابودی ظلم، استبداد و استکبار دانست. بنیادهای اصلی قیام اسلامی را می‌توان وحدت، حکومت اسلامی و نفی سلطنت مطلقه، استقلال، رهبری، آزادی و رهایی از سلطنت استبدادی و حق حاکمیت بر سرنوشت خویش با الگوگیری از نهضت امام حسین (ع) دانست!!

به نظر می‌آید مهمترین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را می‌توان استقرار عدالت اجتماعی، احیا تمدن اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، مبارزه با فساد اقتصادی و استقلال و خودکفایی کشور در عرصه اقتصادی، خودباوری، احیای اجرای احکام اسلامی، تربیت افراد متخصص و متعهد، تعلیم و تهذیب، پیشرفت تمدن و مبارزه با تمدن صادراتی، عزت انسانی، حمایت از مستضعفان، پیوند دین و سیاست، ایجاد آزادی معقول، پیوند علم و دین و وحدت حوزه و دانشگاه دانست.

فکر می‌کنید کجای این آرمان‌های مقدس و زیبا قرار داریم؟ اگر با عینک خوش بینی و نگاهی منصفانه بنگریم، علی‌رغم کارشناسی‌های دشمنان داخلی و خارجی، جنگ تحمیلی هشت ساله، تحریم‌های چندین ساله، تهدیدهای مختلف و تهاجم فرهنگی و... به درصد قابل توجهی از این آرمان‌ها تحت عنایت ویژه امام عصر (عج) و رهبری با درایت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) رسیده‌ایم. البته باید توجه کنیم که هنوز راه برای پیمودن زیاد است.

به عنوان یک جز کوچک این جامعه راهکارهایی جهت بهبود و تسریع در رسیدن به آرمان‌های انقلاب ارائه می‌دهیم:

- با توجه به این که یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب، برقراری عدالت در تمامی زمینه‌ها بود، باید با نظارت و مدیریت صحیح بر منابع ملی راه رسیدن به عدالت را هموارتر کنیم.

- به مطالبات ملت و عدالت‌خواهان در زمینه مبارزه با مفسدین اقتصادی به صورت جدی پرداخته شود و دست منافقین و صاحبان زر و زیور و تزویر را کوتاه کنیم تا مسائل معشیتی قشر مستضعف جامعه نیز رفع گردد.

- در حوزه فرهنگی نیاز به کار جدی داریم، با روند رو به جلو و سریع تهاجمات فرهنگی و روش‌های براندازی نرم دشمنان نظام، نیاز به اقدامات اساسی می‌باشد.

- توجه بیش از پیش به نخبه پروری و تسریع در مطالبه رهبر معظم انقلاب در زمینه نهضت جنبش نرم افزاری و مهندسی فرهنگی.

- پرهیز از تفرقه و روی آوردن تمامی احزاب و اقشار به وحدت و توجه ویژه به امت واحده مورد نظر امام (ره).

با ذکر بخشی از نصیحت نامه امام (ره) صحبت را به پایان می‌برم:

"اینجانب هیچگاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری، اسلام بزرگ با همه‌ی ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند. لکن عرض می‌کنم که قوه‌ی مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور دارند." امید است قصور این نوشتار را ببخشید.

به امید تشکیل حکومت جهانی اسلامی و ظهور یگانه منجی عالم!!

## اهداف انقلاب اسلامی

راه‌های مختلفی برای برآورد اهداف انقلاب‌ها، از جمله انقلاب اسلامی، وجود دارد؛ یکی از این راه‌ها پرسش از رهبران انقلاب است. علاوه بر آن، تحلیل گفتارهای رهبران و همچنین بررسی نقطه نظرات مردم و پرسش از آن‌ها، به ویژه عده‌ای که در زمان انقلاب بوده‌اند؛ از جمله راه‌های دیگری است که در این مطالعات می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد. پرسش از نسل بعدی انقلاب نیز راهکار دیگری است که نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه مقایسه بین دو نسل، سبب شناخت نظرات نسل بعد از انقلاب در مورد اهداف پدران و پیشینیان خود در رویکرد آن‌ها به این موضوع می‌شود.

یکی دیگر از راه‌های بررسی اهداف انقلاب، بررسی شعارهای انقلاب است که دکتر محمدحسین پناهی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در تحقیق خود، این راه را انتخاب کرده و براساس تحلیل محتوای این شعارها اهداف انقلاب را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

او به گفته خود برای تحقیقش از تمامی منابع مکتوب از جمله منابع چاپی و غیرچاپی و حتی مطالب نوشته شده بر روی دیوارها استفاده کرده و از این میان، آنچه را تحت عنوان شعار آمده بود، استخراج کرده است.

طبق نظر این مدرس دانشگاهی مجموعه شعارهای گردآوری شده را می‌توان به شش محور تقسیم کرد. محور اول، شعارهای مربوط به شرایط داخلی و وضعیت نامطلوب رژیم گذشته است که حدود ۲۰٪ کل شعارها را در برمی‌گیرد. محورهای بعدی، شعارهای مربوط به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب (۱۸٪) و شعارهای مربوط به چگونگی سرنگونی رژیم، شعارهای مربوط به مرحله بعد از به قدرت رسیدن انقلابیون، شعارهای مربوط به شخصیت‌های بین‌المللی خارجی را شامل می‌شود. در شعارهای مربوط به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، اهداف و ارزش‌های سیاسی انقلاب ۳۶٪ از شعارهای این دسته، اهداف و ارزش‌های فرهنگی ۴۹٪ و اهداف و ارزش‌های اقتصادی تنها ۵٪ از این شعارها را به خود اختصاص

می‌دادند و این در حالی است که شعارهای مربوط به مبارزه و شیوه‌های مربوط به تحقق اهداف انقلاب، ۱۰٪ از این شعارها را شامل می‌شوند.

به تعبیر دکتر پناهی، اگر توزیع و تکرار شعارها را مبنا قرار دهیم، مشخص می‌شود که مهم‌ترین هدف انقلاب، در واقع اهداف و ارزش‌های فرهنگی آن است و در این راستا، اهداف و ارزش‌های سیاسی در اولویت بعدی قرار گرفته و در نهایت اهداف و ارزش‌های اقتصادی اولویت بسیار پایینی از خواسته‌های مردم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی سال ۵۷ را به خود اختصاص داده است.

دکتر پناهی در تجزیه و تحلیل اهداف سیاسی انقلاب نیز به دسته‌بندی شعارها پرداخت و در این باره گفت: «شعارهایی که جمهوری اسلامی را به عنوان هدف و آرمان انقلاب مطرح می‌کنند، شعارهایی که به تبلیغ حکومت اسلامی می‌پردازند، شعارهایی که آزادی‌ها و حقوق سیاسی را مطرح می‌کنند، شعارهایی که اهداف و ارزش‌های دیگری غیر از آزادی‌های سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند و شعارهایی که به تبیین نهادهای سیاسی خاص می‌پردازند، در این دسته‌بندی‌ها جای می‌گیرند».

در این تحقیق، آزادی‌ها و حقوق سیاسی با ۶۹ شعار (۲۶٪) حجم قابل توجهی از شعارها یا به عبارت دیگر، آرمان‌ها و اهداف سیاسی را در آن دوره به خود اختصاص می‌دادند که این نشان می‌دهد بحث آزادی سیاسی و حقوق سیاسی، از مهم‌ترین خواسته‌های مردم انقلابی سال ۱۳۵۷ بوده است. توجه مردم به مقوله آزادی‌ها و حقوق سیاسی، نشانه توجه خاص آنها به لزوم آزادی شهروندان به عنوان مهم‌ترین خواسته سیاسی آن زمان بود و با بررسی شعارها مشخص می‌شود انقلابیون، جمهوری اسلامی را به عنوان بستری برای تحقق آزادی و حقوق سیاسی خود مد نظر داشتند. دکتر پناهی در این تحقیق به این امر اشاره می‌کند که نگاهی به ارزش‌های اقتصادی مطرح در زمان انقلاب، در قالب شعارهایی که بیان می‌شد، نشان می‌دهد نفی فقر و محرومیت‌های اقتصاد و حمایت از طبقات محروم در اولویت نخست و مخالفت با سرمایه‌داری و طبقات مرفه در اولویت بعد، مهم‌ترین اهداف اقتصادی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است

خدایا!

می‌خواستم فریاد شوم وزین آسمان ربابانداکاری و ایمان پایداری خود بمرز انم، می‌خواستم میزان حق و باطل باشم، و

دروغ گویان و مصلحت‌طلبان و غرض‌ورزان را رسوا کنم...

خدایا! نگذار دروغ بگویم، زیرا دروغ ظلم‌کشینی است.

خدایا! بدیتم کن! زیرا می‌دانم که گمراهی چه بلای خطرناکی است.

خدایا! بدیتم کن! که ظلم نکنم، زیرا می‌دانم که ظلم چه گناه ناخوشدنی است.

خدایا! محتاجم کن که تهمت به کسی بزنم، زیرا تهمت، خیانت ظالم‌اندازی است.

ویژه‌نامه‌ی سی‌امین بهار

محفل فرهنگی دانشجویان

دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

بهمن ۱۳۸۷

هیئت تحریریه:

نشریه دانشجویی آرمان

نشریه دانشجویی بدون مرز

نشریه دانشجویی تسنیم

بسیج دانشجویی و ...